

گفتاری درباره ریشه‌شناسی جرایم اطفال

دکتر سید حسن غفوری غروی

در شماره قبل اولین قسمت از مقاله تحقیقی ریشه‌شناسی جرائم اطفال بچاپ رسید اینک بخش دوم یا بهتر بگوئیم دنباله‌آن از نظر گرامی خوانندگان محترم میگذرد

۲

خانواده اولین محیطی است که طفل در آن قدم به عرصه وجود میگذارد بنابراین در تربیت شخصیت طفل و رشد عاطفی وی بیش از سایر محیط‌ها اثر خواهد گذاشت در بسیاری موارد دیده میشود که تعداد زیادی از اطفال مجرم متعلق بخانواده‌هایی بوده‌اند که از جهتی وضع نامساعدی داشته یعنی یا خانواده با اختلافات داخلی و تضاد بین پدر و مادر بوده و یا آنکه پدر و مادر بعلل مختلف مانند طلاق ، فوت ، ازدواج مجدد از یکدیگر جدا شده و فرزندان بدون سرپرست مانده یا در بعضی موارد تحت قیمومیت اقوام دیگر قرار گرفته و یا به مراکز اطفال بی سرپرست سپرده شده بودند . آماري که محققين خارجي مانند پروفيسور هويه روانپزشک معروف فرانسوی و ژان بیناتل درباره اطفال مجرم فرانسه منتشر کرده اند کاملاً موید این موضوع است و نظیر این آمار را درباره مجرمین خردسال شهر تهران میتوان بوضوح در سالهای مختلف مشاهده کرد ، چنانکه در جدول زیر طی سالهای ۵۱-۱۳۴۸ تعداد اطفال مجرمی که بموجب حکم قطعی دادگاههای



اطفال بکانون اصلاح و تربیت اعزام شده‌اند تقریباً رقمی بین ۴۰ الی ۵۰ درصد رانشان میدهد که این اطفال خانواده‌ای نا منظم و معشوش داشته‌اند یعنی پدر و مادر بی‌با بعلت طلاق یا فوت و یا بعلل دیگر از یکدیگر جدا زندگی میکرده‌اند

نقش خانواده تنها از لحاظ وضع نا منظم و گسسته آن به تنهایی مطرح نیست ، یعنی تنها فقدان پدر یا مادر و یا جدائی و طلاق والدین و بالاخره عدم وجود سرپرست نیست که میتواند موثر در سقوط و ناسازگاری طفل شود ، بلکه در بسیاری موارد اختلافات داخلی والدین و بالاخره عدم وجود آرامش و تامین در خانواده میتواند بنوبه خود موثر در سقوط و ناسازگاری طفل شود ، در بسیاری موارد اختلافات داخلی والدین ، برخوردها ، تضادها و کشمکشهایی که در خانواده وجود دارد و لطامات عاطفی که از

این جهات و بعلت محرومیت طفل از محبت و حمایت خانواده بروی وارد میشود از عوامل موثر در ناسازگاری و سوق او بسوی محل انکائی غیر از خانواده و خارج از محیط خانواده است ، این محرومیتها سبب میشود که طفل بجستجوی دوستانی در محیطی غیر از محیط خانواده برآید و اغلب در همین دوستیهای ناشناخته و مشکوک است که موجبات بدآموزی و انحراف و سقوط طفل فراهم میشود . بطور طبیعی طفلی در خانواده علاقه دارد که مورد محبت و حمایت قرارگیرد و خانواده را برای خود مامن و محل انکاء میداند حال اگر بهر علت این محیطی که طفل همه خواسته‌ها و آرزوهای خود را بر روی آن متمرکز کرده است متزلزل شود باید در انتظار حوادث و اتفاقات و عکس‌العمل طفل نسبت بموقعیت خود بود در اینجا یک نکته بسیار ظریف

سال	تعداد اطفال اعزامی بکانون اصلاح و تربیت بموجب حکم قطعی دادگاه اطفال	اطفالی که با پدر و مادر زندگی میکرده‌اند	جدائی بعلت طلاق	جدائی بعلت (فوت ، اختلافات) و بعلل دیگر
۱۳۴۸	۶۵۲ نفر	۳۴۵ نفر	۲۳ نفر	۵۸ نفر
۱۳۴۹	۶۶۳ "	۴۵۳ "	۳۱ "	۱۰۲ "
۱۳۵۰	۶۰۲ "	۳۹۰ "	۱۳ "	۱۳۷ "
۱۳۵۱	۶۲۴ "	۳۸۷ "	۲۲ "	۱۶۱ "

روانشناسی وجود دارد و آن اینکه حضور پدر و مادر بخصوص در سالهای اول کودکی از نظر رشد عاطفی طفل ضروری است ، حضور پدر از لحاظ رشد شخصیت طفل و شکوفائی عواطف و اعتماد بنفس وی و حضور مادر از نظر عاطفی و حمایتی ، چنانکه اطفالی که از محبت مادری محروم بوده اند اغلب از نظر روانی با تاثرات و ناراحتیهایی عاطفی گاه شدید مواجه بوده اند که نمونه های آنها باید در بین اطفال گوشه گیر و در درون گرا جستجو کرد ، این اطفال در بعضی موارد متقابلا فاقد عاطفه و محروم از امکان برقراری روابط عادی اجتماعی با دیگران هستند ، زیرا این اطفال خود طعم محبت و عطوفت را نچشیده اند تا بتوانند بدیگران ببخشند ، بعلاوه در بعضی موارد مادرانی هستند که آگاهانه یا ناخودآگاه فرزندان خود را از محبت واقعی مادری محروم میکنند و یا شدت عمل و رفتار خشونت آمیزی با فرزندان دارند یا آنها را بحال خود واگذار میکنند و نسبت بفرزندان بی تفاوت هستند که بویژه سقوط بسیاری از دختران جوان را باید در این طرز رفتار و بعلت همین محرومیت های از محبت و عواطف و عدم سرپرستی در خانواده جستجو کرد ، زیرا این غفلتها سبب میشود که نوجوانان در جستجوی محبت و عطوفت دیگری برآیند و بدام افراد فریبکار و شیادانی که اغلب در سر راه این نوجوانان

هستند گرفتار شوند و فریب دوستیهای ریائی و علائق شیطانی این فریبکاران و گاه دزدان ناموس را بخورند . بموجب آماري که در سال ۱۳۴۷ بوسیله محققین مدرسه عالی خدمات اجتماعی از ۱۵۴۸ نفر روسپیان شهر تهران تهیه شده است نشان میدهد که چگونه رقم قابل توجه اکثریت قریب باتفاق آنان از دوران خردسالی از سرپرستی و حمایت خانواده محروم بوده اند بموجب این آمار تعداد ۲۸۷ نفر از آنان از سن ده سالگی ، ۲۵۶ نفر از ۱۲ سالگی ۳۳۲ نفر از ۱۴ سالگی ، ۴۰۸ نفر از سن ۱۶ سالگی ، ۱۷۸ نفر از ۱۸ سالگی ، ۶۷ نفر از ۲۰ سالگی و ۱۵ نفر از ۲۱ سالگی از داشتن خانواده و سرپرست محروم شده بوده اند .

در اینجا بوضوح نقش مهم خانواده و محرومیت عاطفی در سقوط آنان ملاحظه میشود ، بویژه که در آمارگیری همین زنان اغلب علت سقوط خود را دوستیهای ریائی و دروغین ، وعده های فریبنده و وعده های ازدواج شیادان ، وعده های حمایت مالی ، ازدواج های ساختگی و نظایر آنها اعلام کرده اند که از جهات مختلف نقش قابل توجه و وظیفه حمایتی خانواده را نشان میدهد و بوضوح دیده میشود که والدین چه مسئولیت سنگینی را در برابر خانواده و تربیت و مراقبت اطفال و فرزندان خود بر عهده دارند . نه تنها مسئله فحشاء

عاطفی (VOL de Compenstion)
 نامیده میشود در بین این نوجوانان زیاد دیده میشود آمار سرقت نوجوانان و نسبت فوق العاده آن بسایر جرائم در جدول زیر کاملاً قابل ملاحظه است نباید گمان کرد که این سرقتها در تمام موارد بغلت احتیاج مادی و جنبه اقتصادی موضوع است ، با آنکه نمیتوان منکر تاثیر وضع اقتصادی بطور کلی در سرنوشته این اطفال بود ولی جنبه های عاطفی و وضع خانواده ، طرز تربیت ، حمایت و طرز رفتار خانواده با طفل را در بالا بودن رقم سرقت نسبت بسایر جرائم باید در نظر داشت :

دختران و زنان جوان ، بلکه بسیاری از سرقتها اطفال و نوجوانان که بنظر میرسد بر اثر نابسامانی مالی و یا شرارت و طغیان انجام شده در واقع ریشه های عاطفی داشته است . در کانون اصلاح و تربیت تهران در ظرف این چند سال یعنی از سال ۱۳۴۷ تاکنون همواره سرقت رقمی بین ۷۰٪ الی ۸۰٪ و گاهی بیشتر از مجموع جرائم اطفال اعزامی بآنجا را تشکیل میداده و این نسبت کاملاً نابسامانی وضع خانوادگی این اطفال و محرومیت های عاطفی آنان تناسب داشته است ، یکنوع دزدی که در اصطلاح دزدی برای جبران و جبران از محرومیت

سال					چند درصد	عنوان جرم
۱۳۵۲	۱۳۵۱	۱۳۵۰	۱۳۴۹	۱۳۴۸		
۶۴۲	۶۲۴ نفر	۶۰۲ نفر	۶۶۳ نفر	۶۵۲ نفر	۱۰۰/۰۰	تعداد کل اطفال
۵۳۶	" ۵۲۵	" ۵۱۷	" ۵۴۳	" ۴۵۵	۸۰/۹۳	سرقت و ملحقات آن
۱۰	" ۱۲	" ۱۹	" ۲۸	" ۳۰	۰۳/۱۷	ایراد ضرب و جرح
۲۲	" ۱۹	" ۱۴	" ۱۴	" ۲۱	۰۲/۸۳	حمل ، معامله و استعمال
۹	" ۶	" ۸	" ۵	" ۱۹	۰۱/۴۸	چاقوکشی
۷	" ۸	" ۱۳	" ۹	" ۸	۰۱/۴۱	رابطه نامشروع
۹	" ۱۱	" ۴	" ۵	" ۳	۰۱/۰۱	قتل عمد و شرکت در آن
۰	" ۲	" ۰	" ۵	" ۲۳	۰۰/۹۴	جرح غیر عمد بر اثر تصادف
۸	" ۴	" ۶	" ۴	" ۵	۰۰/۸۵	قتل غیر عمد
۱	" ۰	" ۱	" ۵	" ۱۷	۰۰/۷۵	رانندگی بدون پروانه
۴۰	" ۳۵	" ۲۰	" ۴۵	" ۷۱	۰۶/۶۳	جرائم دیگر

بطوریکه ملاحظه میشود در اینجا مسئله خانواده تنها از بعد عاطفی آن مطرح نیست بلکه از تمام ابعاد آن مورد نظر است از جهت پرورش طفل ، از لحاظ نوع تفکسر و تربیتی که بطفل داده میشود ، از لحاظ اینکه پدر و مادر برای طفل میتوانند بعنوان نمونه و سرمشقی بوده و طفل آنان را بعنوان اولین مدل زن و مرد برای ساختن شخصیت خود انتخاب میکند ، همچنین از لحاظ حمایت مادی که از طفل بعمل میآید و از جهات دیگر ساخت خانواده قابل توجهه است که بررسی تمام آنها در این مختصر امکان پذیر نیست . ولی در مورد سالیهای اولیه تربیت طفل ونحوه برخورد عاطفی والدین بویژه رفتار مادر موضوع بسیار قابل اهمیت است ، بهمین جهت امروز متخصصین معتقداند مادرانی که نسبت بفرزندان خود از نظر عاطفی توجه بیشتری داشتهاند این اطفال از نظر روانی دارای استحکام واستقامت بیشتری بوده اند مثلا موضوع شیردادن طفل و طول مدت شیر دادن نکته بسیار قابل اهمیتی است وموید آن آیه شریفه است که خداوند از نظر حمایت طفل مادر را ملزم میکند (صورتیکه بخواهد بطفل بطور کامل شیر دهد) باید تا دو سال کامل او را از شیر نگیرد و پدر را ملزم میکند که مخارج طفل شیرخوار و مادر او را طبق معمول عرف بپردازد . (والوالدات یرضعن اولادهن حولین

کاملین لمن اراد ان یتم الرضاعه وعلی المولود له رزقهن وکسوتهن بالمعروف .) زیرا مادر در هنگام شیردادن بطفل دو وظیفه مهم را انجام میدهد علاوه برآنکه او را تغذیه میکند باو القاء محبت عاطفی نیز میکند و هرچه طفل از این محبت اعطائی مادر سرشار تر باشد از نظر روانی مستحکمتر وقویتر خواهد بود زیرا روحا به میزان کافی از زحمات خانواده برخوردار شده است . بهمین جهت ملاحظه میشود اطفالی که از این مهر ومحبت والقاء عاطفی محروم بودهاند مثلا اطفالی که فاقد مادر یا خانواده هستند و برای نمونه اطفال پرورشگاهها اغلب این نقصان وکمبود را در روحیه آنان میتوان مشاهده کرد واین اطفال از نظر روانی شکننده تر وپهرا تب تاثیرپذیرتر هستند ، موضوع دیگری که در دورانهای بعدی و حیات اجتماعی طفل قابل اهمیت است مسئله تربیت طفل و انتقال میراثهای فرهنگی است که بصورت سنتی بطفل آموخته میشود زیرا طفل بر اثر علاقههای که بخانواده دارد از طریق اخلاقی و سنتی والدین واجداد پیروی وتقلید میکند ونقش تقلید در ساختن شخصیت اولیه طفل واجد اهمیت است وباین طریق در حقیقت ارزشهای اجتماعی وفرهنگی بر اثر تربیت وتلقین با خلیقات ونفسانیات سرشته وعجین میشود واثرات آن بطور آگاه وناخودآگاه در ذهن طفل باقی

والقائى از دوران كودكى بوسيله والدين و بوسيله خاتواده (بمفهوم وسيع آن) آموخته ميشود و بهمان صورت سينه بسينه باز از نسلى به نسل ديگر منتقل ميشود .

بحث درباره ساير قسمتها مانند محله ، مسكن ، اطرافيان ، معاشرين و شهر و تأثير آن در بزهكارى و ناسازگارى اطفال و نسو- جوانان نيز خود موضوع مفصلى را تشكيل ميدهد كه بايد در بحث جداگانه و در فرصت بيشترى از آنها گفتگو شود ، ولسى دراينجا همينقدر در پايان بحث خانواده باختصار اشاره ميشود كه در بعضى موارد ودر بسيارى از كشورها بويژه مشرق زمين منجمله در كشور خودما ، محله اغلب

ميمانند . وپاين ترتيب اين ميراثهاى اجتماعى از نسلى به نسل ديگر منتقل ميشود ، مثلا تربيت مذهبي والقاء اصول و عقايد به اندازههاى كه در كودكى و دوران اوليه تربيت طفل ميتواند در وى موثر واقع شود هيچگاه در زمان بزرگى و دورانهاى بعد در او اثر نخواهد داشت و بدون ترديد تلقين و تربيت دوران كودكى چيز ديگرى است و بفرمايش حضرت على (ع) العلم فى الصغر كالنقش فى الحجر ، بهمانگونه كه خانواده ميتواند در ساختن شخصيت طفل نقش خلاق داشته باشد ، محله ، اطرافيان ، محل سكنى ، محيط شهر و دوستان و آشنايان طفل نيز بنوبه خود در ساختن شخصيت و رفتار اجتماعى طفل موثر خواهند بود بهمين جهت ديده ميشود كه خلكيات و اختصاصات شخصيت افراد يك جامعه از جامعه ديگر متفاوت است و اين همان خصوصياتى است كه در مفهوم وسيع آن بنام فرهنگ اجتماعى گفته ميشود و مجموعههاى است از تمام خصوصيات مادى و اعتقادات و معنويات يك جامعه كه بصورت ميراث فرهنگى بوسيله آموزش ، بوسيله القاء ، بوسيله يادگيرى ، بوسيله حرکات ، رفتار ، گفتار و سنتها چه كتبه ، چه شفاهى و چه عملى از نسلى به نسل ديگر انتقال پيدا ميكند و اساس ملتها و مليت ها را ميسازد . ، مثلا بسيارى از آداب و رسوم ، سنتها ، و مناسك مذهبي بصورت عملى



دنباله خانواده را تشکیل میدهد ، بسیاری اوقات دیده میشود که عصرها مادران در کوچه و جلو منزل اجتماع کرده بایکدیگر به گفتگو میپردازند و بچهها در کوچه به بازی مشغول میشوند چه بسا ارتباط و تماس اطفال در کوچه با یکدیگر از گروهها و تپب های اخلاقی مختلف و گاه بدآموزیهائی که این تماس ها و با محیط محل ، اطرافیان دوستان و همبازیها میتوانند در اطفال داشته باشد خود مکتبی برای ناسازگاری و گاه بزهکاری و بدآموزی است . البته در تمام موارد نمیتوان گفت که برخورد اطفال از گروهها و تپبهای مختلف میتواند بعنوان عوامل جرم را تلقی شود و یا نابسامانی وضع محله همیشه جرم خیز است ، ولی در بسیاری موارد نیز نمونههایی از آن دیده میشود که برای مثال به باندها و گروههایی که این اطفال در کوچه تشکیل میدهد باید اشاره کرد که در بسیاری موارد بقمار علنی و دسنة جمعی در کوچه میپردازند ، گاه دسته جمعی و گروهی دست به تخریب میزنند ، گاه بولگردی و بیکاری میپردازند گاه دست بسرقت ، استعمال مواد مخدره و دیگر جرائم مشابه آن میزنند و یا در اینگونه راهها کشانده میشوند . چنانکه مسئله شیوع استعمال مواد مخدره در بین نوجوانان و جوانان که بعضی اوقات محله ، اطرافیان ، دوستان ، همبازیها و بالاخره شهر در آن نقش مهمی را دارد یکی از

بلایای خانمانسوز جامعه ما محسوب میشود با آنکه ممکن است عوامل بسیار دیگری از لحاظ زمینه اعتیاد در نوجوانان موثر باشد ولی نقش موثر محله ، دوستان و شهر را نمیتوان نادیده گرفت .

بهرحال در انتهای این بحث باید نتیجهگیری کرد که در بزهکاری اطفال و نوجوانان موضوع ریشه شناسی جرائم همانطور که ملاحظه شد بسیار قابل توجه است ، در بزهکاری اطفال و نوجوانان پس از تجربیات بسیار باین نتیجه رسیده اند که برای همه آنان نمیتوان مانند آنچه در علوم طبیعی جاری است یک سلسله علل و عوامل را بطور قطعی و بصورت قانون لاینغیر علت ناسازگاری و یا بزهکاری دانست زیرا در اینجا بحث ما از انسانهاست که با یکدیگر متفاوتاند و دارای شخصیتهای مستقل و متفاوت هستند ، پس در درجه اول همانطور که هر انسانی دارای شخصیتی مجزا و مشخص از دیگران و خاص خود میباشد عواملی هم که ممکن است موجبات انحراف و یا سقوط او را فراهم کند مجزا و ویژه خود او است و باید بطور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد ، و در ثانی همیشه یک عامل سبب بزهکاری نمیشود ، مثلا بگوئیم چون این شخص از نظر خلقی یا روانی دارای نقائصی است ، یا از نظر خانواده وضع نابسامانی دارد یا از لحاظ محیط و معاشرین محیط آلودهای



اجتماعی با کمک یکدیگر و بطور گروهی به تحقیق و علت یابی میپردازند، و برخلاف آنکه عده‌ای فکر میکنند که بوسیله تنبیه یا ارباب و اقدامات شدید انضباطی و خشونت میتوان از بزهکاری جلوگیری کرد امروز معتقد هستند که درباره هر طفل باید علت بزهکاری و انگیزه آنرا شناخت و کوشش کرد که علت از میان برداشته شود زیرا اگر علت برداشته شد معلول که همان ناسازگاری و یا بزهکاری باشد خود بخود از بین خواهد رفت همانطور که در دستورات و قوانین آسمانی اسلام نیز بیشتر بمسئله ارشاد و هدایت و تنبیه انسانها توجه شده و پیغمبر اکرم (ص) میفرمایند (انی بعثت لاتم مکارم الاخلاق) من برای تکمیل مبانی اخلاق شایسته بشری برانگیخته

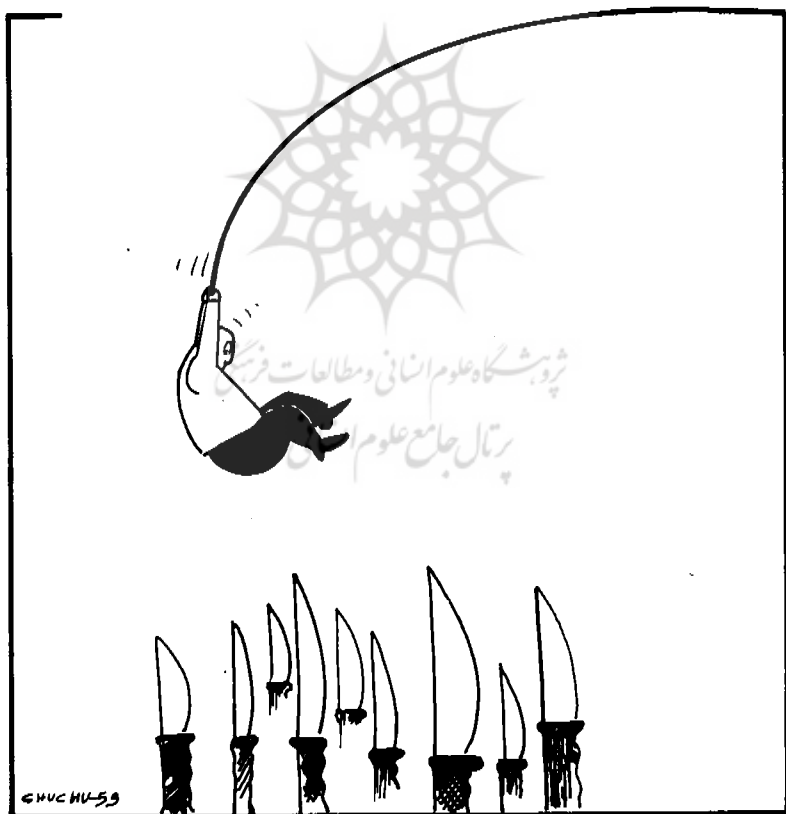
بقیه در صفحه ۴۸

دارد پس حتما بزهکار میشود، بلکه موضوع بزهکاری اغلب ترکیبی است از مجموعه علل و عوامل مختلف وبعلاوه نوع ترکیب اینها و لحظهای که ممکن است منتهی به بزهکاری شود خود موضوع قابل توجهی است که چگونه ممکن است در بعضی موارد باوجود عوامل مختلف و محیط جرمزا، طفلی مرتکب جرم نمیشود و طفل دیگری در آن شرایط مرتکب جرم میشود، که البته این موضوعی است که جرم شناس با بررسی درباره شرایط و اختصاصات در هر مورد خاص باید اظهار نظر کند و بهمین جهت امروز درباره هر طفلی که مرتکب جرم میشود بطور جداگانه در مورد علل آن به بررسی و تشخیص میپردازند و معمولا علاوه بر جرم - شناس عده‌ای از متخصصین مانند روانپزشک، پزشک، روانشناس و مددکار

بنام خدا

صفحه سفیدی که در مقابل شما قرار دارد ، برای شما گه مسائل و مشکلات تربیتی و آموزش فرزندان خود و نیز پیشنهادات و راه -
حلهایی که به نظرتان میرسد برای ما بنویسید .

پیوند ما با این ارتباط محکمتر میشود و شما که اولیاء و مربیان فرزندان
هستید با تلاش و ارتباط بیشتر در پیدا کردن راههای مناسب میتوانید
در یاری ما سهم بزرگی داشته باشید . انشاءالله که اینطور خواهد شد .





بعد از نوشتن پیشنهادات خود از این خط تا کنید و مثل پاکت بچسبانید



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جای نمبر



انجمن اولیاء و مربیان ایران

نشانی : تهران ، دروازه شمیران ، خیابان فخرآباد کوی ۱۵ صندوق پستی : ۱۳/۱۲۵۵

کد پستی ۱۱

شعبه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ

مهره پستی

شکست خورده از کسانی بوده اند که از ابراز و گفتن یک جمله تشویق آمیز دریغ و مضایقه میورزیده‌اند و حال آنکه یک جمله تحسین آمیز و یک لبخند رضایت بخش اعجاز می‌آفریند .

معلمی میگفت تازه استخدام شده و درس هندسه میدادم وقتی میخواستم بکلاس بروم بمن گفتند از فلان شاگرد حذر باش چه نه درس میخواند و نه اخلاق دارد . بکلاس رفته با حضور و غیاب کردن آن شاگرد را شناسائی کردم وقتی درس هندسه را به پایان رساندم او را پای تخته آورده گفتم درس را توضیح بده البته در اینکار کمکش کردم وقتی میرفت سرچایش بنشیند باو گفتم فکر تو در فهم هندسه قوی است یکهفته بعد پدرش بمدرسه آمده بسراغ معلم هندسه را گرفته بود وقتی با او ملاقات کردم بمن گفت شما اعجاز کرده‌اید گفتم من اعجاز نکردام همه میکنند او نمیفهمد من گفتم میتواند بفهمد با اینکه نمرات در سهای دیگرش خوب نبود ولی نمره هندسه‌اش هیجده شده بود .

بنابراین نباید فراموش کنیم که تشویق کردن و شخصیت دادن در حد زنده کردن و حیات دوباره دادن است ما که میتوانیم بدیگران حیات و زندگی بدهیم چرا از اعطاء آن دریغ و مضایقه بنمائیم ؟

* *

خدا میداند همین افرادی که ما آیه یاس برایشان میخوانیم چه نیرو و استعدادهایی را دارا میباشند اگر بجای تندى و خشونت نا امید کردن و توهین نمودن با یک جمله آنان را تشویق کنیم و بآنها تفهیم کنیم که توانائی انجام کار در آنها وجود دارد و عرضه انجام آن کار را دارا میباشند آنوقت خواهید دید که انسانها چه موجود عجیبی هستند که با یکجمله میمیرند و با یکجمله زنده شده حیات مییابند .

میگویند کمال‌الملک نقاش چیره دست را بسیاری از معلمانش میخواستند از مدرسه بیرون کنند ولی معلم نقاشی او بدفتر رفته بمدير مدرسه گفته بود که در کلاس درسش شاگردی هست که استادی و چیره دستی او در نقاشی از او بیشتر است .

باید باور کنیم که همین جمله کوتاه معلم کمال الملک را باوج هنرمندی و شهرت رسانید .

مدیر خوب آنکس نیست که از امکانات مادی فراوانی برخوردار باشد بلکه مدیر خوب کسی است با دست خالی با زبان تشکر آمیزی نیروهای نهفته انسانها را تجهیز کرده کارآئی آنان را بسرحدامکان برساند پس مدیریت در بحیران انداختن استعدادها خلاصه میشود .

تجربه نشان داده که بسیاری از مدیران

کنند و از کارهای خوب آنها تقدیر نمایند .
۴- همه آنها نیازهای تقریباً مشابهی دارند و با ارضاء آنها شاد میشوند . مربی خوب کسی است که از این مشابهنها در پرورش کودکان به حداکثر استفاده کند .

* *

سر مقاله

بقیه از صفحه ۳

تقریباً هفته‌ای یکبار آنها را دعوت میکردیم و جز همان چند نفری که اول هم آمده بودند کس دیگری بمرسه نمیآمد ، یکروز سرصف به بچه‌ها اطلاع دادم که فردا ساعت ۴ بعد از ظهر به تمام اولیاء ناید میدهیم و قراراست نایدها از طریق مدرسه توزیع شود ، روز بعد ساعت ۴/۵ در مدرسه جا برای ایستادن نبود همه آمده بودند و حتی همسایگان خودشان را نیز آورده بودند منم یک قوطی ناید ناید را روی میز گذاشته بودم و از پشت همان قوطی شروع به صحبت کردم ، وقتیکه آنها فهمیدند موضوع چیست احساس شرم را در چهره فرد فرد آنها میدیدم و دانستند که تربیت و آموزش و پرورش فرزند انشان از ناید مهمتر است از آن زمان به بعد هر موقع آنها را دعوت کنیم فوراً میآیند " این حقیقت ما را نکان داد چرا مردم بهر مسئله‌ای بیش از نظارت و دقت در کار فرزندانشان

مشکل است . زیرا بر پایه اختلافات موجود بین خصوصیات رفتاری کودکان روش کار معلم در مورد هریک از آنها متفاوت خواهد بود .

طبقه بندی کودکان بر حسب بهره هوشی یا طبقه اجتماعی یا توانائیهای آنها بوسیله مربی کاری عملی نیست زیرا گروه بندی کودکان به "خودپنداری" آنها لطمه میزند و از اعتماد بنفس آنها میکاهد . کودکان در عین اختلافاتی که با یکدیگر دارند از بسیاری جهات بهم شبیه هستند . مربی از هر دو جنبه مثبت و منفی موجود بین آنها باید استفاده کند . بطور خلاصه در مورد کودکان بایستی اعتقاد داشت که خصوصیات مشابهی در آنها وجود دارد که ذیلاً خلاصه میشود :

۱- همه کودکان بعنوان فرزندان انسان خصوصیات یکسان و مشابهی دارند . همه آنها با احساس شکست دچار ناامیدی و تحقیر میشوند .

۲- باوجود علاقه شدید به استقلال فردی مایلند در میان جمع زندگی کنند و از بازی با همسالان خود خشنود میشوند .

۳- هنگامی که در فعالیتهای خود با موفقیت مواجه میگردند بآنها احساس رضایت ، سرافرازی و خودنمایی روی میدهد و مایلند که دیگران آنها را درک

اهمیت میدهند .

داشته و رعایت کنند .

بیائید از این حالت رخوت و سستی
بدرآئیم موضوع تعلیم و تربیت
فرزندانمان را جدی بگیریم . رفتار و
کردار او را زیر نظر داشته باشیم هرگونه
تغییر حالت او را بررسی کنیم به درس و
مشق او بی نظر نباشیم بمدرسه برویم و
از اولیاء مدرسه بخواهیم که ما را در
جریان پیشرفت او قرار دهند ، انجمنها
را یاری دهیم و از خدا بخواهیم این
وحدت بین مدرسه و ما را محکمتر کند
و ثابت کنیم لیاقت آنرا داریم طلابه دار
تمدن اسلامی در جهان باشیم .

خدایار و نگهدار شما باشد . پیوند

* *

اجرای عدالت در

بقیه از صفحه ۲۲

— به قول و وعده خود وفادار باشند .

— علاوه بر تدریس به مشکلات شاگردان هم
رسیدگی کنند .

اینها قسمتی از انتظارات شاگردان است
اما وظیفه مربیان بمراتب عمیق تر از اینها
خواهد بود که باتوجه بیشتر سعی کنیم
گوشه‌ای از حقوق آنها را ادا کنیم و در مسیر
اجراء و عدالت در جامعه سهمی داشته
باشیم و در آینده از چنین فرزندان و
شاگردانی میتوان انتظار داشت که احترام و
مقام والای پدر و مادر و معلم را در نظر

۱- ليقوم الناس بالقسط

۲- کبر مقنا عبدالله ان تقولوا مالا تفعلون
(سوره صف آیه ۳)

۳- ان لم يكن لكم دين ولا تخافون المعاد
فكونوا احرارا في دنياكم (اماحسين (ع)

۴- حق ۲۴ از رساله حقوق امام سجاد
عليه السلام - از کتاب راه و رسم زندگی .

* *

مسئولیت‌های پدر و مادر

بقیه از صفحه ۱۰

در صورتیکه با فن دقیق و حساس

تربیت آشنا نیستند و در زندگی هم تجربه
ندارند . ناچار هرکسی مطابق سلیقه

خودش و بدون آگاهی لازم عملی انجام
میدهد که نتیجه‌اش بخوبی روشن نیست و

بعدها حاصل بی‌اطلاعی و عدم آگاهی آنها
آشکار میشود و معلوم میشود که کودک

بیگناه در این مدت چگونه بی برنامه و
بدون وسائل تربیتی شکل و فرم پذیرفته

است . پدر و مادر گرچه در طول زندگی
میتوانند اطلاعاتی بدست آورند و با

تجربه‌های گذشته خویش با امور تربیتی
آشنا گردند ولی این اطلاعات غالباً

بی نتیجه میماند و نمیتواند برای بازسازی
و اصلاح فرزندانشان سودمند باشد .

زیرا موقعیت حساس تربیت کودک سپری
شده و هرچه باید بشود شده است . دوران

تربیت کودک از آغاز ولادت بلکه قبل از آن شروع میشود . شخصیت کودک در همان پنج شش سال اولی زندگی پایه گذاری میشود . در این دوران حساس است که طبع ظریف و حساس کودک آماده شکل گیری بوده اخلاق و رفتار و عاداتها و حتی دیدگاههای فکری او پایه گذاری میشود . پدر و مادر غالبا هنگامی به غفلتها و اشتباهات تربیتی خویش پی میبرند که کار از کار گذشته و کودک شکل گرفته و باخلاق خوب یا بد عادت کرده است . تغییر عادت هم گرچه غیر ممکن نیست لیکن بسیار دشوار میباشد تغییر عادت نیز موضوع بسیار دشواری است که اطلاعات کافی و صبر و کاردانی و کوششهای بیشتری لازم دارد و در چنین صورتی پدر و مادر وظیفه سنگین تری پیدا میکنند . حضرت علی علیه السلام تغییر دادن عاداتها ، از دشوارترین کارهاست و نیز فرمودند عادت ، بمنزله طبع ثانوی است .

ترک عادت بقدری دشوار بوده که در اسلام از بهترین عبادتها شمرده شده است . حضرت علی علیه السلام فرمودند : غلبه بر عاداتهای بد از بهترین عبادتها میباشد . بنابراین بر هر زن و شوهری لازم است که قبل از بچه دار شدن ، طرز تربیت کودک را یاد بگیرند و اطلاعات لازم را کسب کنند سپس بتولید و تکثیر نسل پردازند .

انتقاد و نهی از منکر

بقیه از صفحه ۱۴

واجبی است که همه باید بدانند و انجام بدهند و اگر اجرا نکنند به تکلیف دینی عمل ننموده اند .

ع- معمولا وقتی کودک دیگران را از منکر منع میکند متوجه است که خودش همان کار را انجام ندهد ، و این تذکار خود اصلاح نفس و تزکیه است و همه ما باید به تزکیه نفس سرکش بپردازیم تا برسنگاری برسیم . (۳)

بعضی پدر و مادرها ممکن است گمان برند که اگر به بچه این آزادی داده شود گستاخ میشود و همه کارهای پدر و مادر را بیاد انتقاد میگیرد ، و دیگر اطاعتی نمیکند اما این یک توهمی بیش نیست . زیرا هر حکمی که خدا کرده است برای خردسال و بزرگسال مفید است ، از کودکی بایستی به دستورات دینی عمل کرد . نهی از منکر عمل به دستور دین است و از کودکی باید تمرین شود .

(۱) کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر .

(۲) ومن اعرض عن ذکری فان له معیشتا ضنکاه .

(۳) قد افلح من زکیها : رستگار شد کسی که نفس خود را تزکیه کرد . * *

روش‌ها

برای وصول بچنین اهدافی راه‌وروشهائی در پیش است که در آن برای آموزش از حواس و وسائل سمعی و بصری و وسائل و ابزار علمی روز استفاده میسود و برای پرورش از راه ارائه الگو ، تشویق ، تحبیب ، ملامت تحریف ، تنبیه در جنبه پرورش مسالسه سازندگی و بازسازی مطرح است که در آن از فنون و تکنیکهای خاصی ، از جمله از روش ارائه اسوه‌ها ، القاء ، تلقین ، مطالعه ، تعمق ، تدبیر ، تذکر استفاده میشود و ما دراین باره با تفصیل بیشتری بحث خواهیم کرد .

ضرورت امروزی آن :

ما معتقدیم که مساله تربیت اسلامی در این عصر ، نه تنها برای ما بلکه برای بشریت امری ضروری و باهمیت مسالسه مرگ و حیات است و بشریت اگر بخواهد از این درگیریها و سردرگمیها نجات پیدا کند چاره‌ای ندارد جز آنکه نظام تربیتی اسلام را که نظامی ساخته از سوی پروردگار آگاه و علیم و خبیر است بکار بندد و مطمئن باشد که خالق بشر را آگاهی و عنایست بیشتری نسبت به بشر است تا فیلسوفان و صاحبان حکایت .

اما برای ما ضروری است از آن بابت که انقلاب ما اسلامی و مکتب ما اسلام است ما برای تداوم انقلاب خود ناگزیریم از طریق تربیت اقدام وریشه آنرا در دلها نافذ گردانیم .

آنچه را که مادران بحثها تعقیب میکنند عرضه و ارائه اصول و مبانی تربیت اسلامی در زمینه‌های مربوط به موضوع تربیت ، اهداف محتوا ، مراحل ، روش و ارزیابی است که بنظر خود آنرا از قرآن و سنت استخراج کرده و عرضه میداریم .

منظور ما از اصول و مبانی جنبه‌های عقلائی و مقیاسهائی است که براساس آن میتوان طفل را از موفقی که در آن است حرکت داده و به هدف مطلوب برسانیم و یا میتوان گفت مقصود بنیانها وریشه‌هایی است که با آگاهی از آنها و در دست داشتن آنها میتوان با سهولت رفتاری را در فرد پرورش داد و با استفاده از نظم فکری خاص او را به هدفی رساند .

شک نیست که بخصوص پس از دوران انقلاب برخی از صاحبانظران دراین زمینه اقداماتی بعمل آورده اند که تلاش شان از هر حیث قابل تحسین و کارشان مطلبی برای اظهار نظر دراین زمینه است . ما نیز سعی داریم که بعدی از مساله را براساس درک و برداشت خود و در حدود امکانات و توانائی خود عرضه نمائیم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید . * *

تعلیم و تربیت

بقیه از صفحه ۶

است که در تعلیم و تربیت ، علاوه بر دانش آگاهی ، هشیاری ، و علاوه بر شناخت نسبی افراد و دانستن هدف و روشهای تربیتی مناسب ، مهمترین ضرورت داشتن عشق و ایمان به هدف و صبر ، شکیبائی و تسلط بر خود و برخورداری از خودآگاهی پیوسته و کنترل رفتار و اعمال خویش است . و این واقعیت نمایانگر نیاز مریی به " خودسازی " و " خودآگاهی " و " خویشنداری " مستمر اوست ...

* *

گفتاری درباره ریشه‌شناسی جرائم ..

بقیه از صفحه ۳۲

شده ام . و در اغلب قوانین آسمانی بیشتر از آنکه به قلع و قمع و مجازات توجه شود سعی در ساختن انسانها و ارشاد آنان شده و اغلب پیامبران و هادیان بزرگ عالم در جهت ارشاد بشریت بوده و در مقابل عقاب همیشه اعلام داشته اند که باب توبه بر همه طاغیان و خاطیان باز و درهای رحمت الهی بر همه گشوده است و یاس از رحمت خداوند را گناهی بزرگ شمرده اند .

* *

